

## نقش زنان در نهضت عاشورا

### چکیده

تاریخ عاشورا نشان داد که زنان در یاری امام خود توانمندی های بسیاری هر چند در نقش های مختلف همپای مردان و شهیدان دارند. زن در عاشورا و پس از آن مرتبت انسانی خود را نشان داد و به جهانیان ارائه نمود که چگونه فرصت ابراز شخصیت و تجلی نفخه الهی را دارد است.

چنان که هیچ مورخ منصفی نتوانسته مطرح کند که زن در عاشورا از خود ضعفی نشان داده است. لذا در این پژوهش برآنیم تا با بیان نقش زنان در عاشورا چه آنانی که نقش مستقیم (حضور در جنگ و همراهی با کاروان) داشتند و چه آنان که بطور غیرمستقیم بر همسران و فرزندان خویش تأثیرگذار بودند به بیان گوشه ای از شجاعت ها و شهامت های زنان بر جسته در اسلام پردازیم.

تا با شناخت این شخصیت های پیشتاز از جمله حضرت زینب(سلام الله علیها) و دیگر اشخاص آگاه و کامل راهی نورانی و عمومی در مسیر تاریکی به روشنایی و باطل به حق برای آحاد ملت ها و امت ها بگشاییم و این گشایش باعث ارتقای فرهنگ هر جامعه می شود که خود باعث شناخت هر چه بیشتر حقیقت و تقرب می گردد، که سعادت همه انسان ها را در بردارد.

**واژگان کلیدی:** رسالت، زن، نهضت عاشورا، ایثار

\* دانش آموخته سطح ۲ مدرسه اسلام شناسی حضرت زهرا (سلام الله علیها)

\* کارشناس ارشد فقه و حقوق



## طرح مسئله

انسان در جهت دست یافتن به کمال و کرامت والای خویش همواره بدنیال الگوهایی بوده که او را به سوی هدفش سوق داده و نزدیک سازد و زمینه های رشد و تعالی او را تسريع بخشد که گاه در این مسیر به دلیل عدم آشنایی به معارف دینی به بیراهه رفته و در سرگردانی و گمراهی گرفتار گردیده و گاه با اتکا به چراغ های روشن هدایت (رهبران و اسوه های دینی) مسیر پرتلاطم و پرپیچ و خم زندگی را به آسودگی و زیبایی طی نموده است.

تاریخ بیانگر این مدعای است، که زنان صالح می توانند در جهت رسیدن به والاترین مقام انسانی همپای مردان گام بردارند و برای حفظ کیان اسلام و معرفی آن، مجاهدت کنند. نمونه بر جسته چنین انسان های سرافراز، زنانی هستند که در حمامه عاشورا حضور داشتند و نقشی جاویدان از خود باقی گذاشتند.

لذا در این پژوهش تلاش شده است؛ تصویر زنان نقش آفرین حادثه کربلا را به توصیف بکشانیم و با بهره گیری از واقعه پر فراز و نشیب عاشورای حسینی، الگویی زینبی برای زنان ترسیم نموده و با ارائه چنین اسوه های زنده تاریخ به زنان جامعه اسلامی در گزینش الگوهای صحیح یاری رسانیم و تصویر ناصواب از زن در جهان غرب و جاهلیت را خدشه دار ساخته و در گوشه تاریخ محصور سازیم. چرا که اعتقاد ما بر این باور استوار گردیده تا زنان اصلاح نشوند جامعه اصلاح نخواهد شد و بدون توجه به آنان، امکان برخورداری از نسل سالم، پویا و پر تحرک وجود ندارد، زیرا آنان نیمی از پیکره اجتماع هستند که سعادت و شقاوت تمامی پیکره بستگی به آنان دارد و اهتمام به امور آنان و ترسیم الگوی صحیح برای زنان در مسیر احیای شخصیت شان برای جامعه بشری سودمند می باشد.

## زن در اقوام و ادیان

در تاریخ جهان می توان از تمدن های بسیار عظیم و کهنی یاد نمود، و امروزه نیز آثار و نشانه هایی از این تمدن های بسیار با شکوه بر جای مانده است. که تاریخ دانان را مجدوب

شناخت و بررسی ابعاد مختلف این اقوام نموده است.

یکی از مسائلی که این دانشمندان به آن دست یافته اند، مسئله و جایگاه زنان در سلسله هرم این تمدن ها است. که در ذیل به بیان نمونه های از دیدگاه های این اقوام در مورد زنان، علی رغم فرهنگ بسیار غنی اشاره می گردد.

در اقوام بابل و سومر دختران را که به سن ازدواج می رسیدند را به فروش می رسانند. و در زمان تنگدستی او را در برابر وامی که داشته اند به طلبکاران خود واگذار می نمودند. و یا برای فسق و فجور در معرض عموم قرار می داد تا از این راه پول بدست آورد. (ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۳۷۰)

در آفریقا با زنان مثل چهارپایان رفتار می شد. هر وقت زنی مریض می شد چندان برای درمانش نمی کوشیدند در مواقع قحطی زنان اولین قربانی ها بودند. در میان قبایل وحشی آفریقا مردان زنان خود، را مانند اثاث خانه به هم قرض می دهند. (حسن صدر، حقوق زن در اسلام و اروپا، ص ۸۸)

یونانیان نیز در مورد زنان نظرات مشترکی با سایر ادیان دارشتند، در این مورد کتر گوستاولوبون (Gustave lebon) محقق فرانسوی می گوید یونانیان عموماً زن را موجود پست می دانستند که تنها برای دوام نسل و کارهای خانه بدرد می خورد. بطور کلی زن در تمدن یونان شیء قابل تملک و عنصر ارضای شهوت و تولید مثل بوده است. و بعد از وفات شوهر به او حق زندگی نمی دادند. که این وضع رقت بار تا چندین قرن دوام داشت. (ویل دورانت، همان، ج ۲، ص ۶۷ و ۶۷)

«سقراط سلوک با زنان را نوعی زجر و ریضات سخت بر می شمرد که برای تقویت اراده و مالکیت بر نفس این زجر را سودمند می دانسته.» (علامه یحیی نوری، حقوق زن در اسلام و جهان، ص ۷)

در استرالیا نیز زن حکم حیوان اهلی را دارد که فقط برای دفع شهوت و تولید مثل بکار می رود. (عبدالکریم بی آزار نوین، رساله نوین، ج ۳) و معمولاً بعد از مرگ شوهر زن پس از

انقضاء عده سه روزه ملک برادر شوهر می شد.(حسن صدر، همان، ص ۸۵ و ۸۶)

«در هند و بیرمانی شوهر، زن خود را به نام خدمتکار و کنیز می نامید، و برعکس زن باید او را ارباب و عالیجاناب و گاهی خداوندگار خطاب می کرد و سواد داشتن برای زن ها قدغن بود.»(حسن صدر، همان، ص ۹۲)

زن در چین نیز مانند هند رسماً و روحاً در اختیار شوهر خود بود و نه تنها هیچ گونه احترامی نداشت بلکه پیوسته مورد تحقیر و آزار قرار می گرفت. به مجرد این که افراد خانواده ای می شنیدند که دختری بدنیا آمده صدای گریه و شیون از خانه بلند می شد. کسانی که خودرا زیرک می انگاشتند فوراً نوزاد را در سلطی که پر از آب خفه می کردند. در چین دختران خیلی خردسال را به افراد منمول به عنوان کلفت می فروختند. و دخترانی هم که بفروش نمی رسیدند در رودخانه غرق می شدند، زیرا نگهداری دختر برای پدر موجب اتلاف وقت و پول بود. قربانی کردن دوشیزه گان و برداشتن برای خدایان در چین هم مثل هند و ژاپن مرسوم بود. (علی ربانی خلخالی، زن از دیدگاه اسلام، ص ۲۷)

### زن در ایران قبل از اسلام

در این دوره به هیچ وجه عنوان انسان بر زن اطلاق نمی شد و با منت های خشونت و سختی با او رفتار می شد. زن شی قابل تملک و در ردیف چارپایان بارکش و سودمند شمرده می شد در نتیجه فاقد هر گونه حیثیت و اختیاری بود. در مقابل کوچکترین بهانه ای شدیدترین مجازات را نسبت به او روا می دانستند. زن حق نداشت که با شوهر خود یک جا سکونت داشته باشد و غذا بخورد. این در حالی بود که مشکلترين مشاغل زندگي و سنگين ترين تکاليف به عهده او بود. دران دوره زن تنها راه نجات خود را خودکشی می دانست.

### زن در عربستان

«پيش از آمدن اسلام مردها زن را موجودی می دانستند متوسط ميان حيوانات و انسان، يعني او را فقط وسیله‌ای برای پیدايش نسل و خدمتکاري می دانستند. رسم دخترکشی و زنده به گور کردن دختران عملی رايچ بود.»(گوستاولوبون، تمدن اسلام و عرب ص ۵۰۷)

قرآن کریم وضعیت زنان قبل از اسلام را این گونه ترسیم می نماید: «وَ اذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ  
بِالاتِّشَى ظَلَّ وَجْهُهُ مُسَوَّدًا وَ هُوَ كظيم. يَتَوَارَى مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيْمَسِكُهُ  
عَلَى هُونِ أَمْ يَدْسُهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ» وقتی کسی ولادت دختری را به  
یکی از ایشان خبر می داد از غصب برافروخته و سیاه می گشته و بخارط این بشارت بد از  
مردم پنهان می گردید. به فکر می افتد آیا آن دختر را به خواری نگاه دارد یا زنده به گور  
کند آگاه باشید که بد می کنند. (نحل / ۱۶ و ۵۸ و ۵۹)

### زن در دین یهود

در کتاب تلمود که شرح و تفسیر تورات است زن را این چنین تحلیل می کند: زن تا چهل  
روز بعد از زائیدن پسر و تا هشتاد روز بعد از زائیدن دختر نجس است و مقاربت با او حرام  
می باشد. و همچنین درآمد آن ها به شوهرانشان تعلق دارد. (ویل دورانت، همان، ج ۴، ص  
۳۶) در تعاییم یهود چنین مطرح شده است که، خداوند در بینی او (آدم) روح حیات دمید و  
سپس او را خواب نموده از دنده او زنی ساخت، و زن چون از مرد بوجود آمده پس دارای  
وجود مستقلی نبوده و همواره تابع مرد خواهد بود.

در باب سوم سفر پیدایش شرح می دهد که زن آدم (حوا) میوه ای را که خوردنش ممنوع  
بود را خورد و این امر سبب خروج آن ها از بهشت و هبوط به زمین گردید. از این آیات  
استنباط می کنند که زن موجب بدبهختی نوع بشر گردید و گرنه آدمیان همیشه در بهشت  
می بودند.

در مذهب یهود لاویان باب ۱۲۰ می گوید عبادت زن نصف مرد ارزش دارد و شهادت و  
قسم او غیرمقبول و نذر و دعای او و تکالیفش بدون اجازه شوهر یا با اجازه وی بی اثر  
است. (حسام نقیانی، سیر تکامل حقوق زن در تاریخ، ص ۲۴ و ۲۵)

### زن در دین مسیح

«زنان باید همیشه ساكت باشند زیرا اول آدم آفریده شده بعد حوا و این آدم نبود که فریب

خورد بلکه زن فریب خورد و قانون الهی را شکست.» (انجیل شریف، کتاب مقدس، م، ص ۵۶۹) زن به خاطر این گناه در تقصیر گرفتار شد و بوسیله زائیدن رستگار خواهد شد اگر در ایمان و محبت و قدوسیت و تقوی ثابت بماند. (رساله اول پولس به تیموتائوس، باب دوم، آیات ۱۴ و ۱۵)

آیاتی هم هستند که حکم می کنند زنان باید شوهران خود را همانند خدا اطاعت کنند. «ای زنان شوهران خود را اطاعت کنید چنان که خدا را، زیرا که شوهر سر زن است چنانکه مسیح نیز سر کلیسا است و سر نجات دهنده بدن.» (رساله اول پولس رسول به انسسیان، باب ۵) البته لازم به ذکر است که این عقاید در مسیحیت تحریف شده قرار دارد و مواردی است که به حضرت مسیح (علیه السلام) نسبت داده شده است.

## زن در دین اسلام

اسلام در چنین شرایطی پای به عرصه وجود گذاشت و برای زن حقوق و احترام خاصی منظور کرد و اعلام داشت زن یکی از دو عنصر بوجود آورنده انسان است، زن مکمل مرد و از جنبه هویت برابر با مرد است. هیچ کس بر دیگری دارای فضیلت و برتری نیست و هیچ مردی بر زن جز به تقوی و نیروی ایمان برتری ندارد.«يَا أَئِلَّا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأَنثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارِفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقْاكمُ إِنَّ اللَّهَ عَلَيْمٌ خَبِيرٌ» ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و دسته ها و گروه های گوناگون نمودیم تا یکدیگر را بشناسیم همانا بزرگوارترین شما نزد خدا با تقواترین شماست و خدا کاملاً آگاه است.» (حجرات، آیه ۱۳)

یکی دیگر از مزایای اسلام آنست که در روزگاری که جهل و تاریکی سراسر جهان را فراگرفته بود آموختن و فراگرفتن علم را در دریف دیگر ضروریات حیات بشر منظور کرد و کلیه افراد را بدون استثناء از نعمت دانش برخوردار ساخت بلکه تعلیم و تعلم را واجب شمرد و آن را رکنی از ارکان ایمان قرار داد. و همچنین از افتخارات اسلام این است که زن را نیز در استفاده از این حق با مرد برابر شناخت. (کتاب آداب تعلیم و تعلم در اسلام، دکتر



سید محمد باقر حجتی)

در دورانی که زنان را آن چنان تحقیر می کردند که صلاحیت شرکت با مردان را در کارهای اجتماعی نداشتند اسلام زنان را در کارهای اجتماعی چون امر به معروف و نهی از منکر شرکت داد. (توبه، آیه ۷۱) در روزگاری که هیچ یک از ملل دنیا حقوقی برای زنان قائل نبودند قرآن فرمود: زنان به همان اندازه که در جامعه مسئولیت دارند باید از حقوق اجتماعی نیز برخوردار باشند. (بقره، آیه ۲۲۸) و زنان را بر شوهران حقی است هم چنان که شوهران را بر زنان و در زمانی که زن حق هیچگونه اظهارنظر و رأی دادن نداشت اسلام زنان را در رأی دادن با مردان برابر ساخت و پیامبر به دستور قرآن بیعت آنان را پذیرفت.

(ممتحنه، آیه ۱۲)

## نقش بانوان قبل از واقعه عاشورا

بانوان از جهات گوناگون در قیام عاشورا نقش داشته اند که قبل از بیان نقش‌های آنان، به علت همراهی آنان در قیام عاشورا اشاره ای مختصر می نماییم امام حسین (علیه السلام) برای این که ندای مظلومیت و حق خواهی اش در جنجال تبلیغاتی امویان گم نگردد، و برای همیشه به اقصی نقاط جهان برسد. بخش اعظم پیام رسانی نهضت خود را به عهده زنان و اهل بیت خویش نهاده است.

## دیلم دختر عمرو

به عنوان نمونه می توان (دیلم دختر عمرو) از همسر زهیرین قین که از یاران با وفای امام حسین (علیه السلام) است نام برد. زهیر از چنان شایستگی و لیاقتی در صحنه کربلا برخوردار بود که از سوی امام (علیه السلام) به فرماندهی جناح راست سپاه منصوب گردید. چنین شخصیتی با این همه عظمت و بزرگواری در آغاز در یاری کردن امام (علیه السلام) مرد بود و بر اثر تشویق و هشدار همسرش – دیلم دختر عمرو – در راه دفاع از ولایت گام نهاد. شاید اگر زهیر از همراهی چنین همسری برخوردار نبود به آن همه افتخارات و ایثار دست نمی یافت.

## همسر حبیب بن مظاہر

یکی دیگر از زنانی که برای یاری امام و ولایت به تشویق همسر خود پرداخت همسر حبیب بن مظاہر است. امام حسین (علیه السلام) در بین راه مکه به کوفه دعوتنامه ای برای حبیب فرستادند. زمانی که همسر حبیب از مضمون نامه آگاه شد به گریه افتاد و گفت ای حبیب تو را به خدا در یاری امام حسین (علیه السلام) کوتاهی نکن.

## نقش زنان روز واقعه

### نقش زنان غیرهاشمی

در تاریخ کربلا مواردی به چشم می خورد که مادران و همسران در موقع حساس که ممکن بود نوعی سستی در کار مردان پدید آید به آنان نیرو می دادند و آنان را از خطر لغزش و انحراف باز می داشتند. ایشان با استفاده از تأثیرگذاری نقش مادری و همسری مردان را به دفاع از ولایت و جان امام (علیه السلام) فرا می خواندند.

## همسر عبدالله بن عمیر

او یکی از این شیرزنان است که به همراهش شوهرش برای یاری امام (علیه السلام) از کوفه به راه افتادند. صبح عاشورا که جنگ از طرف دشمن شروع شد، عبدالله بن عمیر اجازه خواست و یک تنۀ مقابل دشمن ایستاد و هر آنها را هلاک کرد. همسرش که او را در این حال دید شروع به تشویق و یاری همسرش نمود و گفت: پدر و مادرم فدای توباد؛ در راه فرزندان پاک سرشت رسول خدا (صلی الله و علیه و آله و سلم) جان نثاری کن. (ابن طاووس،

لهوف، ص ۴۶)

## ام و هب

«یکی دیگر از این زنان نمونه ام و هب است که از حق مادری خود برای دفاع از ولایت به خوبی بهره می گیرد. او همراه فرزند و عروس خود در صحنه کربلا حضور یافتند. در روز عاشورا مادر و هب به فرزندش گفت: فرزندم برخیز و پسر رسول خدا (صلی الله و علیه و آله و سلم)



را یاری کن. و از تو راضی نمی شوم تا این که در حمایت و دفاع، از فرزند پیامبر اکرم (صلی الله و علیه و آله و سلم) به شهادت بررسی). محمد الحسنون، ام علی مشکور، اعلام النساء، ص ۲۷۳) «بعد از شهادت و هب مادرش به بالین فرزند آمد و در حالی که خون ها را از چهره اش پاک می کرد گفت: بهشت بر تو گوارا باد. از خداوند می خواهم تا در بهشت مرا با تو همنشین سازد. شمر که ناظر این صحنه بود به غلامش دستور داد تا به عمود ضربه ای بر سر مادر و هب وارد کند. بر اثر آن ضربه سرام و هب شکافته شد و در کنار بدن فرزند به شهادت رسید.» (ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۳۰۳) این نخستین و تنها زنی بود که در روز عاشورا بعد از آن که فرزند عزیزش را به میدان فرستاده خود به شهادت رسید.

## ام خلف

در تاریخ کربلا سرگذشت یکی دیگر از زنان با ایمان و فداکار به چشم می خورد که با تشویق و ترغیب همسر و فرزندش سبب گردید که آنان در دفاع از سالار شهیدان به فیض شهادت نایل گردند. ام خلف همسر مسلم بن عوسمجه و فرزندش در کربلا حضور یافتند. در روز عاشورا بعد از شهادت مسلم این زن چنان قوی و نیرومند بود که شهادت شوهر ذره ای در عزم و اراده پولادین او خلی وارد نکرد و لذا فرزندش را نیز به مسلح عشق می فرستد. حماسه این مادر در همینجا تمام نمی شود کوفیان سر فرزند ایشان را از تن جدا کرده و به سوی مادر پرتاپ می کنند. ام خلف با روحی بزرگ و عزمی راسخ و استوار در دفاع از ولایت سر را بوسیله و می گوید چه نیکو عمل کردی ای مایه خرمی دل و ای روشنی دیدگان من (خوارزمی، مقتل الحسین، ج ۲، ص ۲۱ و ۲۲)

## حسنیه

نمونه دیگری از این مادران مخلص حسنیه کنیز امام سجاد (علیه السلام) است که به همراهی پسرش منجع به کربلا آمد و شاهد شهادت فرزندش بود و به همراهی اهل بیت به اسارت رفت. (عبدالله مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳، ص ۲۴۷)

## فکیهه

«مادر قارب بن عبدالله بود که خادمی در خانه رباب همسر امام حسین (علیه السلام) بود. به همراه کاروان امام حسین (علیه السلام) به مکه و بعد به کربلا آمدند. بعد از شهادت پسر در کربلا با رباب در سلک اسیران به شام رفت.» (عبدالله مامقانی، همان، ج ۲، ص ۱۸) این چنین مادرانی با تربیت صحیح، فرزندان خود را به اطاعت و جانبازی در راه امام فرا می خواندند و از مهر و عاطفه مادری خود در راه حمایت از ولایت می گذشتند.

## نقش زنان هاشمی

### خویشن داری حضرت زینب

زینب کبری (سلام الله علیها) در همه حوادث جانکاه روز عاشورا در کنار برادر و مددکار او بود. «یکی از صحنه هایی که بر امام حسین (علیه السلام) بسیار سخت گذشت شهادت فرزندش حضرت علی اکبر (علیه السلام) بود. زینب کبری (سلام الله علیها) در این موقعیت دشوار برادرش را تنها نگذاشت. او آمد و خود را بر بدن فرزند برادر انداخت تا کمی از اندوه برادر بکاهد. امام حسین (علیه السلام) دست خواهر را گرفت و به خیمه ها بازگرداند.» (علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۳ و ۴۴)

آن چه مسلم است اینکه دو فرزند حضرت زینب (سلام الله علیها) به نام عون و محمد در کربلا به شهادت رسیدند ولی از واکنش ایشان در برابر شهادت فرزندان گزارش نقل نشده است.

(سید محسن امین، عیان الشیعه، ج ۷، ص ۱۳۷)

این مطلب به احتمال زیاد گویای آنست که آن بانوی بزرگوار در برابر شهادت فرزندان خویش صبر و بردباری پیشه کرده مبادا گریه و زاری او بر اندوه و ناراحتی برادر بیفزاید. و از عقیله بنی هاشم کسی که احساسات خود را تحت نیروی فکر و اندیشه مهار کرده است و آن را تنها در راه رضای خدا و رسالتی که از جانب او برایش تعیین گردیده بکار می گیرد انتظاری جز این نیست.

## دفاع از جان امام سجاد (علیه السلام)

«بعد از شهادت امام حسین (علیه السلام) سپاه عمر سعد برای غارت خیمه‌های اهل بیت (علیهم السلام) هجوم بردند. گروهی از آنان به امام سجاد (علیه السلام) رسیدند. امام در آن حال از شدت ضعف و بیماری نمی‌توانست از جای برخیزد. وقتی سپاهیان به امام سجاد (علیه السلام) رسیدند، قصد جان امام (علیه السلام) نمودند. حضرت زینب (سلام الله علیها) با مشاهده این منظره به امام سجاد (علیه السلام) نزدیک شد و گفت او کشته نخواهد شد تا من در دفاع از او کشته شوم. سخن ایشان سبب شد جان امام سجاد حفظ گردد.» (عبدالرزاقد مقرم، سردار کربلا، ص ۳۰۱) شاید بتوان گفت که این سخن یک تاکتیک سیاسی بود زیرا اگر زنی به شهادت می‌رسید انگیزه جنگ زیر سؤال می‌رفت و حضرت زینب (سلام الله علیها) با این تاکتیک از جان امام (علیه السلام) که ولی خدا بعد از امام حسین (علیه السلام) بود محافظت کرد.

## نقش سرپرستی و رهبری زنان کاروان

یکی از وحشیانه ترین و بی‌سابقه ترین جنایات تاریخ یورش وحشیانه و بی‌رحمانه سپاه عمر به اهل بیت امام حسین (علیه السلام) است. پس از شهادت امام حسین (علیه السلام) سپاه عمر سعد نخست کودکان و زنان بی دفاع خاندان رسالت را مورد هجوم وحشیانه خود قرار دادند و با بدترین شیوه هر چه زیور آلات و لباس و وسایل داشتند غارت کردند سپس خیمه‌های آنان را به آتش کشیدند. زینب کبری (سلام الله علیها) که مسئولیت حمایت و پاسداری از زنان و کودکان را به عهده داشت از امام سجاد (علیه السلام) پرسید: ای یادگار گذشتگان و ای پناه بازماندگان خیمه‌های ما را به آتش کشیدند در این باره چه فرمان می‌دهی؟ امام سجاد (علیه السلام) فرمودند فرار کنید.

نکته قابل توجه آن است که در هنگام آتش گرفتن خیمه‌ها با این که حضرت زینب (سلام الله علیها) مسئولیت و سرپرستی زنان را به عهده دارد و از طرفی از امام سجاد (علیه السلام) بزرگتر است اما از آنجا که امام سجاد (علیه السلام) دارای مقام ولایت هستند از ایشان کسب



تکلیف کرده و نظر ایشان را بدون چون و چرا اجرا می کنند.

در نهضت عاشورا دختران پاک و مقدسی هم چون ام کلثوم و رقیه و سکینه و فاطمه صغیری نیز نقش آفرین بودند. حضور ایشان در غمگینانه ترین لحظه ها دلیل روشن حقانیت امام (علیه السلام) و قیام مقدسش بود. حضور همین عناصر بود که از عاشورا در واقع یک زندگی آفرید. مدرسه ای شد که تا قیام قیامت به بشر درس آزادی و آزادگی خواهد آموخت. در زیر به معرفی این بانوان می پردازیم:

## رباب

«دختر امراء القیس است، مردی که مسیحی بود و در زمان خلیفه دوم اسلام آورد. او مادر حضرت علی اصغر است که گفته شده در زمان شهادت حضرت علی اصغر مادر شاهد و ناظر بوده است.» (ذبیح الله محلاتی، همان، ج ۳، ص ۳۱۳)

## ام کلثوم

او که زینب ثانی هم نامیده شده خواهر حضرت زینب و دختر امیرالمؤمنین است. (کورت فیشلر آلمانی، امام حسین و ایران، ص ۴۳۷)

## نقش زنان بعد از واقعه

زینب کبری (سلام الله علیها) بعد از شهادت امام حسین (علیه السلام) سه وظیفه و رسالت مهم بر عهده داشت نخست پرستاری از امام سجاد (علیه السلام) و حمایت و دفاع از جان آن حضرت در برابر تعرضات و تهاجمات دشمن و شاید یکی از دلایلی که حضرت زینب (علیه السلام) از نظر روحی شکست نخورد همین مسئله وجود امام و دفاع از آن بود. دوم حمایت و دفاع از زنان و کودکان اهل بیت و سوم مسئولیت پیام رسانی خون شهیدان و بیدارگری و آگاهی بخشی به مسلمانان.

## دلداری دادن به امام سجاد (علیه السلام)

هنگام حرکت به کوفه به درخواست اهل بیت آنان را از کنار بدن مطهر شهیدان عبور

دادند. شاید این نخستین بار بود که امام سجاد (علیه السلام) با بدن های بی سر و آغشته به خون شهیدان روبه رو می گردید. مشاهده این که چگونه بدن جگرگوش و نور چشم پیامبر اکرم (صلی الله و علیه و آله و سلم) و یارانش برخنه و عربان بر روی زمین افتاده اند، ولی عمر سعد کشته های سپاه خود را به خاک سپرده است بر امام سجاد (علیه السلام) بسیار دشوار و سخت بود بطوطی که نزدیک بود از شدت اندوه و ناراحتی مرغ روحش از بدنش به پرواز درآید.

زینب کبری (سلام الله علیها) که در همه حالات امام (علیه السلام) را زیرنظر داشت و مراقب ایشان بود با مشاهده این حال برای آرامش و دلداری او حدیثی از اینمن بازگو کرد. این حدیث نویبدبخش آن بود که قبور شهیدان کعبه آمال عاشقان و دوست داران امام حسین (علیه السلام) خواهد شد. (علامه مجلسی، همان، ج ۴۵)

### تجّلی فداکاری و ایثار حضرت زینب (سلام الله علیها)

در طول سفر کودکان و زنان اهل بیت از جیره غذایی ناچیزی برخوردار بودند بطوطی که آن مقدار غذا برای کودکان که از قدرت تحمل کمتری برخوردارند کافی نبود. زینب کبری (سلام الله علیها) که مسئولیت پاسداری از کودکان را بر عهده داشت نمی توانست ناظر گرسنگی کودکان داغدار و رنجیده برادر و سایر شهیدان باشد از این رو جیره غذایی خود را در میان کودکان تقسیم می کرد و خود روزهای پی در پی گرسنه سپری می کرد. این امر سبب شد که آن حضرت گرفتار ضعف جسمانی شود و نتوانند نماز شب خود را ایستاده بجا آورد. (لازم به تذکر است که در آن شرایط سخت نماز شب و سایر عبادات ایشان ترک نمی شد).

«امام سجاد (علیه السلام) می فرماید: در یکی از منزل های بین راه عمه ام زینب (سلام الله علیها) نشسته نماز شب را بجا می آورد، وقتی دلیل آن را پرسیدم پاسخ داد به علت ضعف و گرسنگی سه شب است که توان ایستادن ندارد. مأموران یزید در طول راه هر شب آن روز به هر نفر تنها یک قرص نان می دادند که برای کودکان کافی نبود و حضرت زینب (سلام الله علیها) سهم غذای خود را به آنان می داد و خود گرسنه می ماند.» (مهدی پیشوایی،

شام سرزمین خاطره ها، ص (۱۷۵)

### سخنان حضرت زینب و ام کلثوم (سلام الله علیها) در بازار کوفه و مجلس زیاد

حضرت زینب (سلام الله علیها) و خواهرش ام کلثوم در بازار کوفه خطبه ای ایراد کردند و هر دو خواهر اهل کوفه را سخت ملامت کردند و مردم را منقلب و متأثر نمودند. اشک ها جاری شد و ناله ها از سینه ها برآمد. که راوی گوید: بعد از آن روز دیگر هیچ کس زن و مرد بسیاری را چون آن روز گریان ندیده است. (ذیح الله محلاتی، همان، ج ۳، ص ۲۴۹)

کار اهل بیت در بازار کوفه به انجام رسید و فرصت سخن گفتن در مجلس ابن زیاد بدست ایشان آمد. دختر امیرالمؤمنین (علیه السلام) با لباس بسیار ساده وارد مجلس شد و در حالی که سایرین اطراف او را گرفته بودند در گوشه ای از قصر نشست: ابن زیاد پرسید که این زن گوشه گیر که با همراهان خود به کناری رفت کیست؟ کسی به او پاسخ نداد، بار دیگر سؤال کرد تا این که یکی از بانوان گفت: این حضرت زینب (سلام الله علیها) دختر حضرت فاطمه دختر رسول خدا (صلی الله و علیه و آله و سلم) است. ابن زیاد گفت: خدا را شکر می کنم که رسولوایتان کرد و شما را کشت و دروغ شما را برملا کرد، حضرت زینب (سلام الله علیها) بی درنگ جواب داد: خدا را شکر که ما را به پیامبر خود محمد (صلی الله و علیه و آله و سلم) سرافراز کرد و ما را از پلیدی برکنار داشت.

این که گفتی ما رسوا شدیم رسوایی برای مردم فاسق است و این که گفتی ما دروغ گفتیم دروغگویی کار مردم نابکار است. با این جواب دنдан شکن دختر امیرالمؤمنین (علیه السلام) باز این یاد گفت: دیدی خداوند با خانواده شما چه کرد؟ گویا می خواست با این مطلب زینب را به یاد کشته های دور روز پیش بیندازد و او را منقلب کند غافل از این که آنان در کار خود نیک هوشیارند و آن چه می گویند در راه تأمین هدفی است که دنبال می کنند. حضرت زینب (سلام الله علیها) در جواب این سؤال که دیدی خدا با برادرت چه کرد؟ خدا دست او را قطع و امیدش را کوتاه کرد. فرمود: «مارایت الا جمیلا» من هیچ ندیدم مگر زیبایی و کمال نیکویی که خدا برای ایشان خواسته بود. ای پسر مرجانه! مادرت به عزایت بشینند.



ابن زیاد آن چنان ناراحت شد که اگر وساطت و ملامت اطرافیان نبود شاید فرمان قتل خواهر امام (سلام الله علیہما) را صادر می کرد اما حضرت زینب (سلام الله علیہما) سخن خود را گفت و کار خود را کرد و فاسق و فاجر را شناساند و اهل بیت عصمت و طهارت را معرفی کرد.» (ذیبح الله محلاتی، همان، ص ۱۴۱)

با کمی دقت متوجه می شویم اهل بیت عصمت و طهارت جایی که باید با تحریک احساسات و عواطف (در بازار و در مقابل مردم کوفه) سخن بگویید دقیقاً در راستای رسالت و اهداف خویش سخن می گویند و جایی که تحریک احساسات فایده ای ندارد (در بازار کوفه اصولاً عاطفه و احساس وجود ندارد) با تمدید و رعب و وحشت انداختن به دل ایشان کار تبلیغی و دینی خود را انجام می دهنند. آنان در طول مأموریت خود بارها به ابراز احساسات و مرثیه سرایی و عزادران عزیزان خود پرداختند ولی هرگز به این صورت نبود که احساسات آنان بر عقل و شعورشان غلبه پیدا کند و آن را تحت الشاعع قرار دهد بلکه ابراز احساسات و عزادراری آنان نیز بر اساس شعور و تحت سیطره و نفوذ عقل و در راستای هدفی بود که از سوی آنان دنبال می شد.

### جان فشنایی حضرت زینب (سلام الله علیہما) و دفاع از ولایت

هنگامی که اهل بیت امام (علیه السلام) در کوفه وارد مجلس ابن زیاد شدند ابن زیاد از مشاهده امام سجاد (علیه السلام) در میان اسیران تعجب کرد چرا که او فرمان قتل همه فرزندان امام را صادر کرده بود. از این رو از اطرافیان خود پرسید: این کیست؟ وقتی که دانست او علی فرزند امام حسین (علیه السلام) است گفت مگر خداوند علی بن حسین را نکشت؟ (محمدتقی جعفری، امام حسین شهید فرهنگ پیشو انسانیت، ص ۲۱۶) ولی امام سجاد (علیه السلام) که پدرش برای احیای دین و مبارزه با روحیه سکوت و سازش و تسليم در برابر ظلم قیام کرده بود و در این راه خود و یارانش به شهادت رسیده بودند و خود برای رساندن پیام نهضت کربلا اسارت را به جان خریده بود می توانست در برابر یاوه گوئی های ابن زیاد سکوت اختیار کند، از این رو فرمود: من برادری داشتم که علی بن حسین (علیه

السلام) نامیده می شد و مردم او را کشتند. ابن زیاد گفت: بلکه خداوند او را کشت امام سجاد (علیه السلام) وقتی عناد و لجاجت ابن زیاد را مشاهده کرد این آیه را تلاوت فرمود: «اللَّهُ يَنْوَفِي الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا...» خداوند ارواح را به هنگام مرگ

قبض می کند و ارواحی که نمرده اند به هنگام خواب می گیرد. (زمر، آیه ۴۲) ابن زیاد که در برابر منطق محکم و استدلال امام (علیه السلام) درماند گفت: چگونه جرأت می کنی پاسخ مرا بدھی او را گردن بزنید. در اینجا نوبت حضرت زینب کبری (سلام الله علیہما) بود تا از جان امام در برابر ابن زیاد حمایت کند. پس از صدور فرمان کشتن امام (علیه السلام) حضرت زینب فرزند برادر را در آغوش گرفت و گفت: ای زاده زیاد! آیا آن چه از ما کشته برای تو کافی نیست؟ به خدا سوگند من از او جدا نمی شوم، اگر او را می کشی من نیز با او کشته خواهم شد. ابن زیاد بر سر دو راهی قرار گرفت، از یک سو کشتن یک زن و جوانی بیمار و دربند و اسیر از غیرت عربی و مردانگی بسیار دور بود و از سوی دیگر برگشتن از سخن نیز برای او مشکل بود، از این رو مدتی به امام (علیه السلام) و حضرت زینب (علیه السلام) می نگریست آن گاه زیر کانه موضوع سخن را تغییر داد و گفت: خویشاوندی عجیب است به خدا سوگند من گمان می کنم زینب کبری (سلام الله علیہما) دوست دارد او را همراه برادرزاده اش بکشم.

رهایش کنید زیرا من بیماریش را برای کشتن او کافی می دانم. امام سجاد (علیه السلام) رو به ابن زیاد فرمود: «ای زاده زیاد آیا مرا به مرگ تهدید می کنی؟ آیا نمی دانی که کشته شدن عادت ماست و شهادت در راه خدا کرامت ماست؟» (علامه مجلسی، همان، ج ۴۵، ص ۱۳۷)

### أهل بيت الگوی حیا و عفاف

«وقتی اهل بيت به نزدیک دروازه شام رسیدند ام کلثوم (سلام الله علیہما) شمرین ذی الجوشن را صدا زد و فرمود: اکنون که به دمشق رسیدیم ما را از دروازه ای وارد کن که مردمان کمتر جمع باشند و سرهای شهدا را بگو از میان محمول ها دور کنند و کمی جلوتر ببرند تا



مردم به دیدن سرها مشغول شوند و کمتر به حرم رسول خدا (صلی الله و علیه و آله و سلم) بنگرنند. شمر که مقصود ایشان را فهمید فرمان داد تا برخلاف خواسته ایشان سرهای شهدا را در بین محمول ها جای دهنند و ایشان را از دروازه اصلی شهر که شلوغتر بود عبور دهنند تا مردم بیشتر آن ها را نظاره کنند. در آن حال شمر سر مقدس امام حسین (علیه السلام) را حمل می کرد و با افتخار می گفت: من صاحب نیزه بلند و کشنده فرزند ارجمند سید اوصیا و قتال کننده با دین هستم. ام کلثوم (سلام الله علیها) خشمگین شد و فرمود: خاک بر دهانت باد ای ملعون! لعنت خدا بر ستمکاران؛ وای بر تو؛ آیا بر یزید ملعون فخر می کنی؟ تو به قتل رساندی کسی را که جبرئیل در گهواره برای او ذکر خواب می گفت و نام گرامیش در عرش پروردگار مکتوب است... آیا افتخار تو این است که به قتل رساندی کسی را که پدرش نابودکننده مشرکین بود؟ کجا جدی و پدر و مادری مثل جد و پدر و مادر من است؟... خولی که نگران این بیانات بود گفت تو هرگز از شجاعت برنتابی. همانا تو دختر مرد شجاعی هستی. (ذیبح الله محلاتی، همان، ج ۳، ص ۲۵۳)

### خطبه زینب کبری (سلام الله علیها) در مجلس یزید

یکی دیگر از وقایعی که به رسوایی یزید انجامید خطبه حضرت زینب (سلام الله علیها) بود که در حضور میهمانان و مقامات انجام شد. در پایان این مجلس یزید سرهای مقدس شهیدان را مقابل خود قرار داد، هر کدام از اهل بیت با دیدن سر مقدس امام (علیه السلام) و سرهای شهیدان عکس العملی خاصی نشان دادند و جمله ای بر زبان آوردند. حضرت زینب کبری (سلام الله علیها) بادیدن سر مقدس امام (علیه السلام) برادر عزیزش با صدای غم انگیزی که همه دل ها را بدرد آورد گفت: ای حسین! ای محبوب رسول خدا! ای زاده مکه و منی! ای زاده فاطمه زهره! ای زاده دختر مصطفی! و با این معرفی می خواست از تحریف واقعه که ایشان عده ای خارجی و شورشی بودند جلوگیری کنند. در ادامه رو به یزید گفت: «اظننت یا یزید

حيث اخذت» ای یزید! اکنون که به گمان خویش بر ما سخت گرفته ای و راه چاره را روی ما بسته ای و ما را همانند اسیران به گردش درآورده ای می پنداری که خدا تو را

عزیز و ما را خوار و ذلیل ساخته است و این پیروزی به خاطر آبروی تو درنzd خداست؟ پس از روی کبر می خرامی و با نظر عجب و تکبر می نگری و به خود می بالی خرم و شادان که دنیا به تو روی آورد، و کارهای تو آراسته و حکومت ما را به تو اختصاص داده است.. شکیبایی باید کرد که دیری نگذرد که تو هم به آنان ملحق شوی و آرزو کنی ای کاش دستت خشک شده بود و زیانت لال و آن سخنان را بر زبان نمی آوردی و آن کار زشت را انجام نمی دادی.

سپاس خدای را که اول ما را به سعادت و آمرزش و آخر ما را به شهادت و رحمت رقم زد و از خداوند می خواهم که آنان را اجر جزیل عنایت کند و بر پاداش آنان بیفزايد. سخنان حضرت زینتب سبب شد که مجلس به گونه دیگری غیر از آن چه یزید می خواست پایان یابد. او با سخنان خود یزید و یزیدیان را رسوا کرد، (علامه مجلسی، همان، ج ۴۵، ص ۱۳۲ به بعد و ۱۵۷ به بعد)

یزید که جو مجلس را به شدت علیه خود دید رو به دختر امام حسین کرد و گفت: «ابته اخی! انا لهذا کنت اکره!» ای دختر برادم! من به آن چه کرده اند راضی نبودم. و به قولی به ابن مرجانه بد گفت و همه چیز را به او نسبت داد.» (علی نظری منفرد، قصه کربلا، ص ۵۰۵) به زنان حرم گفت تا اهل بیت امام (علیه السلام) داخل خانه وی شوند. وقتی زنان اهل بیت وارد خانه شدند از دودمان معاویه و ابوسفیان احدی باقی نماند مگر اینکه با گریه و زاری بر امام حسین (علیه السلام) از آن ها استقبال کردند. (محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۳۹)

### مراجعةت از شام به مدینه

بعد از سه روز یزید که حضور اهل بیت را در شام به صلاح حکومت خویش نمی دید تصمیم به فرستادن ایشان به مدینه گرفت و کاروان را با تجلیل و احترام روانه کرد. «وقتی کاروان اسرا وارد مدینه شدند ام کلثوم (سلام الله علیها) با دلی پر از اندوه و سیلان اشک شروع به خواندن نوح و مرثیه کرد و به جدش رسول خدا (صلی الله و علیه و آله و سلم) آن

چه را برایشان گذشته بود شرح داد. آنگاه بر سر قبر مادرش زهرا (سلام الله عليهما) آمد و از شدت ناله و نوحه شور و محشر برپا شد. مردم گریبانها چاک زدند، صورت های خراشیدند و ناله و احسینا از همه جا بلند شد. (ذبیح الله محلاتی، همان، ج ۳ ص ۲۵۵)



### نتیجه بحث

در اسلام شأن و منزلت زن بسان مرد عظیم است و خداوند در آیات متعدد به این مهم اشاره کرده است چرا که خیل انسان ها بوجود آمده از یک زن و یک مرد به نام آدم و حوا می باشد چه مؤمن و چه کافر همه از یک پدر و مادر بدنیا آمده اند. اما قبل از اسلام به مقتضای جاهلیت جسم زن را زنده به خاک می سپردند و از ننگ تولد نوزاد دختر، روی از قوم پنهان می داشتند و به فکر می افتدند که آیا دختر را با ذلت و خواری نگهدارند یا زنده به خاک گور کنند.

روشن است که زنان در طول تاریخ اسلام در پرتو حمایت های همه جانبی اسلام نه تنها نقش بیدارکننده و آرام کننده مردان فدکار و مجاهد را داشته اند بلکه خود با حضور آگاهانه جایگاه اصلی خودرا در تاریخ به اثبات رسانده اند. نقش زنان در تاریخ نهضت عاشورا نمونه دیگری از آن است که در یک جمع بندی آماری می توان آن را مرور کرد.

از جلوه های بارز حضور زنان در حمامه عاشورا تعهد و پای بندی به حرمت ها و احکام خداوند و مراعات مسئول حجاب و عفاف است. حضور این چنین نشان می دهد که مشارکت زن در عرصه های مبارزات و دفاع از حق منافاتی با فعالیت های بیرون از خانه ندارد، به شرط آن که حریم عفاف و حدود الهی رعایت شود و متناسب لازم مراعات گردد. از جمله نقش ها و کارهای دیگری که زنان و دختران این کاروان به عهده داشتند. و می توان از آن صحبت کرد عبارتند از : صبر و پایداری - شهامت و دلیری - پیام رسانی و

تبليغ – کارهای پرستاری و پشتيبانی، امدادگری، روحیه بخشی – مدیریت در شرایط بحرانی – تغيير ماهیت اسارت و تبدیل آن به آزادسازی انسان ها و بیدارگری – عمق بخشیدن به بعد تراژيدي و سوگواری ها – مراعات حدود الهی و عفاف و متانت. و نتيجه اين که تربيت نسلی شهادت طلب و جان نثار، پیام عاشورا به همه مادران است.



## منابع

\*قرآن کریم

\*نهج البلاغه

- ۱- **انجیل شریف**، انتشارات انجمن کتاب مقدس، ۱۹۸۱ م، بی جا.
- ۲- ابن طاووس، **لهوف**. ترجمه سیداحمد فهری، نشر بخشایش، قم، ۱۳۷۷.
- ۳- الحسون، محمد مشکور، ام علی، **اعلام النساء**، انتشارات اسوه، تهران، ۱۴۱۱.
- ۴- بی آزار نوین، عبدالکریم، **رساله نوین**، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۳.
- ۵- خوارزمی، محمد. **مقتل الحسین**، نشر الزهراء، قم، ۱۳۶۷.
- ۶- ربانی خلخالی، علی، **زن از دیدگاه اسلام**، نشر حجت، بی جا، بی تا.
- ۷- صدر، حسن، **حقوق زن در اسلام و اروپا**، نشر جاویدان، تهران، ۱۳۵۷.
- ۸- طبری، محمدبن جریر، **تاریخ طبری**، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۴.
- ۹- علی دخیل، علی محمد، **زنان بزرگ اسلام**، فاطمه دختر امام حسین (علیه السلام)، ترجمه صادق آینه وند، نشر امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۱.
- ۱۰- فیشلر، کورت. **امام حسین و ایران**، ترجمه ذبیح الله منصوری، انتشارات جاویدان،



بی جا، ۱۳۷۹.

- ۱۱- لوپون، گوستاو، **تمدن اسلام و عرب**، ترجمه هاشم حسینی، نشر اسلامیه، تهران، ۱۳۴۷.
- ۱۲- مامقانی، عبدالله، **تفقیح المقال**، نجف، بی نا، ۱۳۴۹.
- ۱۳- محلاتی، ذبیح الله، **ریاحین الشریعه**، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۰.
- ۱۴- مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، ترجمه موسی خسروی، نشر اسلامیه، تهران، ۱۳۵۴.
- ۱۵- موسوی المقرم، عبدالرزاق، **سردار کربلا**، ترجمه ناصر پاک پرور، نشر الغدیر، ۱۴۱۱ قمری.
- ۱۶- نظری منفرد، علی، **قصه کربلا**، انتشارات سرور، قم، ۱۳۸۳.
- ۱۷- نقایی، حسام، **سیر تکامل حقوق زن در تاریخ و شرایع**، بی تا، تهران، ۱۳۴۲.
- ۱۸- نوری، علامه یحیی، **حقوق زن در اسلام و جهان**، موسسه مطبوعاتی فراهانی، تهران، ۱۳۴۷.